خراسان روزنامه صبح ایران
دوشنبه ۲۴ اردیبهشت ۱۳۹۷ . ۲۷ شعبان ۱۴۳۹ . شماره ۱۹۸۱۸

جوان اندیمشکی پای چوبه دار بخشیده شد

جوان اندیمشکی که در سال ۱۳۹۱ مرتکب قتل شده بود، با رضایت اولیای دم پای چوبه دار، عفو شد. به گزارش ایرنا، رئیس مجتمع شورای حل اختلاف شهرستان اندیمشک گفت: این جوان ۲۵ ساله اندیمشکی سال ۹۱ در پی درگیری خانوادگی، دایی خود را به قتل رساند که در جریان رسیدگی قضایی، منجر به صدور حکم قصاص وی شد. اسماعیل خزایی افزود: این جوان محکوم به قصاص پس از ارتکاب قتل، خود را تسلیم ماموران انتظامی کرده بود.

«چاقوی خشم» زن جوان را به آستانه مرگ برد

سید خلیل سجادپور - زن جوانی که در پی یک نزاع خانوادگی با ضربات چاقو به کما رفته است در حالی در آستانه مرگ قرار دارد که همسر او نیز متواری شده است. به گزارش اختصاصی خراسان، این زن جوان، چند روز قبل بر اثر اصابت تیغه چاقو به قفسه سینه، مجروح شد و بلافاصله توسط اطرافیانش به یکی از بیمارستان های امدادی مشهد انتقال یافت اما مجروح این حادثه بر اثر عوارض ناشی از اصابت ضربه چاقو به کما رفت و دیگر به هوش نیامد. معاینات پزشک معالج حکایت از آن دارد که زن جوان احتمالا دچار مرگ مغزی شده است.

به همین دلیل گروه تخصصی پزشکان با صدور دستور قضایی در حال انجام معاینات و آزمایش های بیشتر پزشکی هستند تا نتیجه اقدامات تخصصی آن ها و همچنین پزشک قانونی به قاضی ویژه قتل عمد، اعلام شود.

معاون سازمان بنادر و دریانوردی در گفت و گو با خراسان:

سازمان جهانی دریانوردی باید مقصر سانحه سانچی را مشخص کند

انوار - کمیته بین المللی بررسی جعبه سیاه سانچی، چند روز قبل نظر خود را درباره این حادثه اعلام کرد که بر اساس آن، هر دو کشتی در بروز این سانحه مقصر بوده اند اما این که میزان تقصیر هریک از دو طرف چقدر بوده است، اعلام نشد. معاون امور دریایی سازمان بنادر و دریانوردی می گوید: سازمان بنادر و دریانوردی علت سانحه را کشف و آن را در گزارشی به سازمان جهانی بنادر و دریانوردی اعلام کرده اما مشخص کردن مقصر به عهده مراجع ذی صلاح است. هادی حق شناس معاون امور دریایی سازمان بنادر و دریانوردی در گفت و گو با خراسان به سوال هایی درباره گزارش سانچی پاسخ گفت که در پی می آید:

■ گزارش حادثه سانچی به تازگی منتشر شد، پس از آن، چه اقداماتی باید انجام شود؟

وظیفه سازمان بنادر و دریانوردی در موضوع گزارش سانچی به اتمام رسیده است. ما به عنوان سازمان بنادر و دریانوردی براساس آیین نامه بررسی علل سوانح که مصوبه مجلس شورای اسلامی و یک آیین نامه بین المللی است، وظیفه خود را انجام داده ایم و کار تمام و گزارش تهیه و به مراجعه رسمی داده شده است و پرونده از این به بعد باید توسط متولی آن یعنی شرکت ملی نفت پیگیری شود.

■ یعنی مسائل حقوقی و مالی؟

بله؛ در این باره یعنی خسارت کشتی، خدمه، بار و مسائلی از این دست که بحث حقوقی آن از سوی مشاوران حقوقی شرکت ملی نفت و وزارت رفاه در حال پیگیری است.

■ در گزارش ارائه شده، اختلاف هایی درباره دلایل حادثه مطرح شده است، چرا؟

فلسفه کمیته بررسی علل سوانح این نبوده که مقصر را پیدا کند بلکه فلسفه کشف علل وقوع حادثه بوده است. از طرف دیگر، سازمان بنادر و دریانوردی چهار کشور ذی نفع این موضوع را پیگیری کرده اند، همان کاری که کارشناسان سازمان بنادر و دریانوردی جمهوری اسلامی ایران انجام داده اند به عبارت دیگر گزارش از چهار ناحیه بررسی شده بنابراین طبیعی است که گزارش ها با هم متفاوت باشد. این اختلاف نظر در هر حادثه ای ممکن است وجود داشته باشد و طبیعی است چرا که در هر حادثه، طرف های مختلفی وجود دارند و این موضوع غیر طبیعی نیست. نکته کلیدی که وجود دارد این است که سازمان بنادر و دریانوردی علت سانحه را کشف کرده اما مشخص کردن مقصر به عهده قاضی و مراجع ذی صلاح یعنی سازمان جهانی دریانوردی است.

■ روند پیگیری پرونده سانچی چگونه خواهد بود؟

شرکت ملی نفت کش و طرف مقابل آن یعنی کشتی فله بر چینی کریستال، به مراجع حقوقی مراجعه می کنند و قاضی طبق گزارش های ارائه شده نظر نهایی خود را اعلام می کند.

■ این گزارش به نفع سانچی بوده است؟

قطعا گزارش تهیه شده به نفع سانچی خواهد بود.

■ از چه منابعی گزارش سانچی تهیه شده است؟

بخشی از این گزارش پس از مصاحبه با کارکنان کشتی کریستال و بخشی هم از طریق جعبه سیاه و همچنین بازبینی تجهیزات ناوبری و بخشی هم پس از گفت و گو با کارکنان کشتی های شاهد این حادثه تهیه شده است. از نظر ما آن چه در گزارش آمده حقیقت است و ما را به واقعیت نزدیک کرده است اما باید منتظر شد و دید که نظر مراجع بین المللی درباره گزارش چیست چرا که در این نوع گزارش ها، ممکن است خطای انسانی هم وجود داشته باشد اگر چه سازمان به درستی علت یابی کرده است.

■ به تازگی اعلام شده که ما ۳۲ میلیون دلار خسارت برای کشتی گرفته ایم؟

مسائل مالی را باید از شرکت ملی نفت بپرسید، من اطلاع ندارم، سازمان بنادر و دریانوردی از این مباحث مطلع نیست، به عبارت دیگر سازمان بنادر یک سازمان حاکمیتی و مرجع دریایی ایران است که به امور حمل و نقل وسایل دریایی نظارت دارد. سازمان بنادر و دریانوردی حکم پلیس راه را در دریا دارد که گزارش و علت حوادث دریایی را به مراجع قانونی برای پیگیری ارائه می دهد.

سازمان بنادر و دریانوردی حکم پلیس را دارد منتها با اختیارات خاص و نماینده سازمان جهانی دریانوردی در ایران است.

سازمان بنادر و دریانوردی در ایران فقط بر شرکت ملی نفت نظارت ندارد بلکه بر کشتیرانی جمهوری اسلامی ایران به علاوه صدها شرکتی که کار حمل ونقل وتجارت در دریا را انجام می دهند نظارت دارد. اگر برای هریک از این شرکت ها اتفاقی در بنادر مقصد یا مبدا رخ دهد، وظیفه این سازمان است که گزارش این حوادث و سوانح را به مراجع رسمی ارائه دهد اما تشخیص این که مقصر کیست، چه میزان خسارت وارد شده یا این که از چه شرکت یا منبعی باید خسارت ها دریافت شود، به عهده این سازمان نیست.

گفت و گو با قاتلی که جسد دختر تهرانی را مثله کرد

نمی خواستم با آن دختر ازدواج کنم!

مردی دختر تهرانی را کشت و جسدش را قطعه قطعه کرد.

به گزارش رکنا، سیروس - معروف به حمید - که برای ناشناس ماندن جسد، اندام های زن جوان را در دو کیسه زباله مشکی قرار داده بود، تصور نمی کرد ناخن های مصنوعی، راز ش را برملا کند:

■ چند سالته و چه کاره ای؟

۴۴ سالمه و در کار ساخت و ساز هستم.

■ اگر مقتول رو نمی خواستی چرا از زندگی اش نرفتی بیرون؟

(سکوت)

■ تحصیلات شما چقدره؟

دیپلم هستم، عمران خوندم اما ادامه ندادم...

■ قساوت قلب یعنی چی؟

قساوت قلب یعنی آدم به نقطه ای برسه که اون چیزی رو که از قلبش بیرون میاد، پا روی اون بذاره.

■ قلبت تند تند می زنه؟

بله من مدت هاست خواب ندارم. عذاب وجدان دارم. شما وقتی قساوت قلب رو پرسیدید، تلنگری به عملکرد احمقانه من در روز حادثه بود.

■ چند تا خواهر و برادرید؟

سه تا برادر هستیم و من فرزند کوچک خانواده ام. بقیه ازدواج کردند، آزاده ۳۶ سالش بود و من او را دقیقا ۱۸ سال پیش بالاتر از میدان ونک دیدم. آن زمان من در حال تردد با خودروام در ونک بودم که آزاده با دوستش سوار خودروی من شدند.

■ شما که مسافرکش نبودید، چی باعث شد این دو خانم را سوار کنید؟

شاید شور و شوق جوانی بود. در طول این ۱۸ سال گاهی یک سال یا یک سال و نیم و حتی تا دو سال و نیم همدیگر رو نمی دیدیم اما در مناسبت های خاص مثل تولد زنگ می زدیم و با هم قرار می گذاشتیم. من با آزاده فقط دوست بودم.

■ شما به خانواده آزاده خدماتی می دادید، در ازای آن چه چیزی مطالبه می کردید؟

من چیزی مطالبه نمی کردم. هیچ چیز.

■ چرا یک دختر را ۱۸ سال به دنبال خودتون کشوندید؟

من هیچ وقت به آزاده امیدواری نمی دادم... فقط از نظر احساسی به آزاده تعلق خاطر داشتم.

■ چرا حتی با این که دوستش داشتی اما قانونی و شرعی اقدامی نکرده بودی؟ هزینه اش رو می دادی؟ خرجش رو می دادی پس چرا با او ازدواج نکردی؟

بین من و آزاده این اعتماد بود که تا هر زمانی که خواستیم با هم هستیم ولی هر کداممان شرایط ازدواج داشت و موقعیت برایش پیش آمد، می تواند برود و ازدواج کند. برای آزاده اتفاقا خواستگار هم زیاد بود اما ازدواج نمی کرد. مستقیم به من هم چند بار گفت بیا ازدواج کنیم اما من او را برای ازدواج نمی خواستم.

■ پس اگر نمی خواستید چرا از زندگی اش بیرون نرفتید؟

آزاده را به عنوان یک دوست می توانستم بپذیرم اما نه به عنوان کسی که شریک زندگی باشد.

■ چرا وقتی این خانم رو نمی خواستید به طور کامل از زندگی اش نرفتی؟

آزاده هیچ وقت من رو به عنوان حساب بانکی نگاه نمی کرد.

■ روز حادثه چه اتفاقی افتاد؟

پنج شنبه قرار شد به یاد قدیما صبح زود با هم به کله پزی برویم. من با خانواده اش هم رفت و آمد داشتم اما یک شب هم خانه شان نماندم.

■ آزاده چی؟

آزاده هم حتی یک بار خونه من نمونده. با هم مهمانی می رفتیم اما آزاده همیشه شب به خانه خودش برمی گشت.

■ با هم سفر خارج از کشور هم رفتید؟

بله. یک بار ترکیه رفتیم.

■ خب، از روز حادثه بگو.

ساعت ۶:۳۰ صبح با آزاده قرار داشتم. وقتی رسیدم، مادرش اومد و احوال پرسی کردیم. مادر و خواهرش داشتند می رفتند برای ورزش صبحگاهی. آزاده هم ۶:۳۵ اومد و رفتیم یک کله پزی بالای میدان پروین در منطقه تهرانپارس. شروع کردیم به حرف زدن. این را هم بگم که هم من و هم آزاده همیشه مبادی آداب بودیم و هیچ وقت جمله یا کلمات بدی از دهانمان بیرون نمی آمد. کلا آزاده استرس داشت و چند بار از دستش حتی قاشق افتاد. من عاشق مادرم هستم و شرمنده اش هستم که این جنایت را مرتکب شدم. آن روز آزاده به مادرم فحاشی کرد. من چند بار حرفی نزدم اما در نهایت با هم شروع به ناسزا و جدل کردیم. آزاده بحث را کشاند به سمت من که اگر با من ازدواج کرده بودی الان زندگی ام این گونه نبود. خواهر کوچک من ازدواج کرده و قرار است بچه اش هم به دنیا بیاید اما من چی؟ دو سال قبل آزاده به من پیشنهاد ازدواج داد و من هم گفتم درباره آن صحبت می کنیم اما بعد از حدود دو هفته بهش گفتم که با او ازدواج نمی کنم. در نهایت بحث مادر روز حادثه به فحاشی کشید و من بهش گفتم به مادرم فحاشی نکن اما اون بدتر کرد. بالاخره صبرم تموم شد و خودرو رو سریع نگه داشتم. روز قبل به دلیل عارضه آرتروز گردن که آزاده داشت و رفته بود فیزیوتراپی دست چپش درد می کرد. من ناگهان به سمت آزاده خیز برداشتم با یک دستم گردنش را گرفتم و دست دیگرم را روی دهانش گذاشتم تا دیگر ناسزا نگوید، به خودم که آمدم دیدم آزاده کبود شده است. چون دستش رو همیشه دو دور دور کمربند ماشین می پیچید و دستش توی کمربند گیر کرده بود بنابراین نمی توانست از خودش هیچ واکنش دفاعی نشان بدهد. یک لحظه حس کردم رنگش کبود شد اما دیر شده بود.

چند وقت پیش هم در استخر نفسش بند آمده بود و اورژانس توانسته بود او را احیا کند من هم فکر کردم مثل همان روز استخر شده و سریع روسری اش رو باز کردم و چند تا چک زدم توی صورتش اما به هوش نبود. خیلی ترسیده بودم. به سمت زمین های کشاورزی اطراف تهران رفتم تا آن جا رهایش کنم اما آن جا برعکس همیشه شلوغ بود. برگشتم سمت آپارتمان خودم در ایوانک و در پارکینگ رو باز کردم. آزاده روی همان صندلی نشسته و کبودی صورتش بیشتر شده بود. رفتم بالا و در آپارتمان رو باز کردم و برگشتم تا آزاده را داخل آپارتمان ببرم. با سختی و استرس زیاد او را به داخل بردم. بیست دقیقه بالای سرش بودم و نگاهش کردم. بعد رفتم توی خیابان و یک نایلون بزرگ خریدم، یک پتو می خواستم بخرم تا جسد را لای آن بپیچم تا به یک جای دیگر ببرم. دو تا چاقو خریدم.

■ چرا دو تا چاقو خریدی؟

نمی دانم. اصلا باور کنید خودم نمی دانستم چرا این چاقوها و نایلون ها رو خریدم. حتی وقتی چاقو را دور انداختم متوجه اره ای بودن یکی از آن ها شدم.

■ شما عصبانیت تان و بحث تان اتفاقی بود؟ این که شما رفتید چاقو و نایلون خریدید، نشان می دهد که این ها اتفاقی نبوده؟

خدا شاهده من فقط برای این که حمل جسد راحت تر بشه این کار رو کردم. چون واقعا کمرم درد گرفت وقتی آزاده رو تا توی آپارتمانم حمل کردم. هیچ منطقی پشت کار من نیست. من این را قبول می کنم.

■ استدلال این کار شما چه بوده است؟ شما عمدا کسی را کشتید؟ اما مثله کردن یعنی نفرت و کینه.

(سکوت)

■ به نظر شما آدم هایی مثل خودتان نقطه ضعف زندگی شان چیست؟

حماقت در یک لحظه

■ شما ۴۰ سال زندگی کردید فقط حماقت نقطه ضعف شما بوده است؟

من همیشه به دلیل تشکیل ندادن خانواده از طرف مادرم سرزنش می شدم.

■ چرا با کراهت از ازدواج کردن با آزاده صحبت می کنی؟ مگر از او کینه به دل داشتی؟

نه اصلا نفرت نداشتم. این اواخر بعد از این که یک سری رفتارهایش برام روشن شد، باعث شد از آزاده کمی ناراحت باشم. اما از او کراهت یا تنفر نداشتم. ضعف من این بود که هیچ وقت ازدواج نکردم.

■ اگر از آزاده و رفتارهایش و حتی ناسزاهایش ناراحت بودی، می تونستی شکایت کنی نه این که بکشیش.

درسته اما اون لحظه که آزاده به مادر من فحاشی کرد؛ من قصدم کشتن نبود. اصلا قصدم این کار نبود. (گریه می کند)

■ الان دوست داری به روح آزاده چی بگی؟

(با گریه) شرمنده اش هستم.

■ یعنی چی شرمنده اش هستی؟

حاضرم هرگونه مجازاتی را بپذیرم. من داشتم زندگیمو می کردم. کسی که دست به جنایت می زند قطعا هدفی داره، نفرتی داره اما من به خدا هیچ کدوم این ها رو نداشتم (با گریه) از این بدتر حقمه ولی از این مصاحبه اگر یک نفر عبرت بگیره همین برام کافیه...

پرونده این قتل در مرحله رسیدگی است.

حادثه در قاب

نمایشگاه کشفیات پلیس مواد مخدر خراسان رضوی- روز گذشته

از میان خبرها

ماجرای مرگ مشکوک جوان مشهدی با سلاح

سجادپور - تحقیقات برای روشن شدن ماجرای مرگ مشکوک جوان ۳۵ ساله ای که با شلیک گلوله در حیاط منزل مسکونی اش واقع در روستای فراگرد مشهد، کشته شده است، با صدور دستورات ویژه ای از سوی قاضی شعبه ۲۰۸ دادسرای عمومی و انقلاب مشهد ادامه دارد. به گزارش خراسان، ساعت ۲ بامداد یک شنبه گذشته، قاضی ویژه قتل عمد با تماس نیروهای انتظامی از مرگ مشکوک جوانی در روستای فراگرد آگاه شد و به محل حادثه عزیمت کرد. بررسی های مقدماتی نشان می داد مرد ۳۵ ساله با شلیک گلوله به ناحیه سر کشته شده است اما اسلحه ای در کنار جسد نبود. در همین حال قاضی احمدی نژاد که به ماجرای مرگ این جوان، مشکوک شده بود به تحقیق بیشتر از اعضای خانواده متوفی پرداخت تا این که مادر وی به ناچار اسلحه کلت کوچکی را که در گوشه دیگر حیاط بود، تحویل نیروهای انتظامی داد و مدعی شد پسرش خودکشی کرده است! گزارش خراسان حاکی است: اظهارات ضد و نقیض اهالی منزل درباره چگونگی خودکشی مرد ۳۵ ساله، موجب شد تا مقام قضایی دستور تحقیقات بیشتر برای کشف زوایای پنهان این پرونده را صادر کند چرا که هنوز انگیزه اصلی متوفی برای اقدام به خودکشی مشخص نشده است!

۲۰ مال باخته شناسایی شدند «پیام گستر تیرداد» کلاهبرداری بود

رئیس پایگاه سوم پلیس آگاهی تهران بزرگ از دستگیری شخصی خبر داد که در پوشش یک شرکت بازرگانی با نام «پیام گستر تیرداد»، اقدام به کلاهبرداری از متقاضیان دریافت تسهیلات بانکی کرده است. به گزارش فارس، سرهنگ محمد نادربیگی رئیس پایگاه سوم پلیس آگاهی تهران بزرگ در توضیح این خبر گفت: دوم اردیبهشت ۹۷ پرونده ای با شکایت تعدادی از مال باختگان تحت عنوان کلاهبرداری، پس از دستگیری متهم به نام پیام. دتوسط کلانتری ۱۰۳ گاندی به پایگاه سوم پلیس آگاهی ارجاع شد. سرهنگ نادربیگی در توضیح شیوه و شگرد کلاهبرداری افزود: در بررسی شکایت تعدادی از شاکیان و مال باختگان، مشخص شد متهم با تبلیغات گسترده از طریق انتشار آگهی در جراید کثیر الانتشار و همچنین فضای مجازی مبنی بر این که از طریق تأسیس شرکتی به نام شرکت بازرگانی پیام گستر تیرداد قادر به تهیه تسهیلات بانکی در مبالغ مختلف با شرایط بسیار مناسب در زمینه دریافت و بازپرداخت آن به متقاضیان است، شاکیان را ابتدا به دفاتر این شرکت در دو منطقه میرداماد و جمالزاده دعوت می کند. رئیس پایگاه سوم پلیس آگاهی تهران بزرگ تصریح کرد: متهم در ادامه پس از حصول توافق اولیه و طرح این ادعا که خود شرکت ضمانت و وثیقه لازم را تأمین خواهد کرد، متقاضیان را به پرداخت هزینه های اعلامی از سوی شرکت برای دریافت وام های مورد تقاضایشان تشویق و ترغیب می کرده است. وی گفت: متهم در ادامه به بهانه های مختلف از قبیل انجام امور اداری، تأمین تضمین های لازم و... مبالغ مختلفی را در مراحل متعدد از آن ها دریافت و سپس با دادن وعده های دروغین و کذب، اقدام به خرید زمان می کرده و سرانجام یکباره به صورت ناگهانی، از محل کار خود متواری شده است. یکی از شاکیان و مال باختگان نیز در توضیح شکایت خود به کارآگاهان گفت: از طریق آگهی روزنامه... با آقای پیام. دآشنا شدم؛ برای دریافت وام ۹۰ میلیون تومانی اقدام و مبلغ پنج میلیون و ۴۰۰ هزار تومان نیز در مراحل مختلف به شرکت پیام گستر تیرداد پرداخت کردم اما پس از گذشت بیش از ۹ ماه، زمانی که شرکت به تعهدات خود عمل نکرد پول خود را درخواست کردم. این شاکی افزود: ابتدا با پیام. دگیری لفظی پیدا کردم امادر ادامه وی با چرب زبانی زمان بیشتری را برای انجام تعهدات شرکت درخواست کرد تا این که پس از گذشت یک هفته از این ماجرا، اطلاع پیدا کردم شرکت تعطیل شده است و ایشان نیز پاسخگوی تماس های تلفنی بنده و دیگران نبود. همزمان با آغاز تحقیقات از متهم، کارآگاهان پایگاه سوم پلیس آگاهی تهران بزرگ در بررسی اسناد و مدارک شرکت بازرگانی پیام گستر تیرداد، اطلاع پیدا کردند که متهم پرونده با توجه به سابقه قبلی، اقدام به ثبت شرکت به نام همسر خود کرده است. برابر اساسنامه ثبت شده، شرکت بازرگانی پیام گستر تیرداد صرفا مجاز به فعالیت در زمینه پخش مواد شیمیایی بوده؛ اما پیام. دبدون دریافت هرگونه مجوز قانونی از بانک مرکزی، اقدام به انتشار آگهی در زمینه تأمین تسهیلات بانکی به متقاضیان در روزنامه های کثیر الانتشار و همچنین فضای مجازی کرده است.

سرهنگ کارآگاه محمد نادربیگی، رئیس پایگاه سوم پلیس آگاهی تهران بزرگ، با اعلام این خبر گفت: با توجه به شناسایی بیش از ۲۰ مال باخته از زمان آغاز تحقیقات در پایگاه سوم پلیس آگاهی و با توجه به احتمال افزایش تعداد فقرات کلاهبرداری از دیگر شهروندان و مال باختگان، هماهنگی های لازم با بازپرس شعبه ۵ دادسرای ناحیه ۶ تهران برای انتشار بدون پوشش تصویر متهم انجام شده است. وی ادامه داد: بر این اساس از کلیه شاکیان و مال باختگانی که موفق به شناسایی تصویر متهم شده اند یا توسط شرکت مذکور (شرکت بازرگانی پیام گستر تیرداد) از آن ها کلاهبرداری شده است دعوت می شود برای طرح و پیگیری شکایات خود به نشانی پایگاه سوم پلیس آگاهی تهران بزرگ در خیابان خرمشهر- میدان نیلوفر مراجعه کنند؛ همچنین از شهروندانی که از دیگر اقدامات مجرمانه متهم اطلاعاتی در اختیار دارند نیز درخواست می شود تا هرگونه اطلاعات خود را از طریق شماره تماس ۲۱۸۶۵۶۴۹ در اختیار کارآگاهان دایره مبارزه با جعل و کلاهبرداری پایگاه سوم پلیس آگاهی تهران بزرگ قرار دهند.

در امتداد تاریکی

سفر خیالی!

همه دوستان نزدیکم که از گذشته با هم ارتباط داشتیم حتی برای یک بار، سفر به خارج از کشور را تجربه کرده بودند، آن ها چنان از مراکز تجاری و تفریحی برخی کشورها سخن می گفتند که حس حسادت در وجودم ریشه می دواند و به آن ها غبطه می خوردم. آرزو می کردم کاش من هم می توانستم یک بار به یکی از کشورهای اروپایی سفر کنم و عکس هایم را در فضای مجازی به اشتراک بگذارم. اما شرایط من با دوستانم تفاوت زیادی داشت چرا که من نامزد داشتم و برای برگزاری مراسم ازدواج، در تنگنای مالی بودم. با وجود این، روزی گویی دست سرنوشت به سوی من چرخید و با دیدن یک آگهی در فضای مجازی، وسوسه شدم که...

جوان ۲۵ ساله ای که با گرفتار شدن در دام شیادان اینترنتی همه پس انداز و سرمایه برگزاری مراسم عروسی اش را از دست داده و برای به دام انداختن دزدان اینترنتی به کارشناسان زبده و تلاشگر پلیس فتای کرمان پناه آورده بود، با چهره ای غم زده به تشریح ماجرای «ماساژ تایلندی» پرداخت و گفت: چندین میلیون تومان پس انداز کرده بودم تا با گرفتن وام ازدواج چند ماه دیگر مراسم ازدواجم را برگزار کنم و آغاز زندگی مشترکم را جشن بگیرم با وجود این، خیلی دوست داشتم مانند دوستانم یک بار به خارج از کشور سفر کنم ولی شرایط اقتصادی مناسبی نداشتم و همواره به تعریف و تمجیدهای دوستانم از یک سفر خارجی با شرمندگی گوش می کردم. در همین اوضاع و احوال روزی هنگام گشت و گذار در فضای مجازی یک آگهی تبلیغاتی با مضمون «ماساژ تایلندی» توجهم را جلب کرد. با اشتیاق مشغول مطالعه شدم.

در آن آگهی انجام خدمات ماساژور حرفه ای با تبلیغاتی اغواکننده چنین معرفی می شد که انگار به کشورهای خارجی سفر کردی. با خودم اندیشیدم در حالت های مختلف ماساژ تایلندی چند عکس سلفی می گیرم و با ارسال آن ها برای دوستانم وانمود می کنم که به خارج از کشور سفر کرده ام. در حالی که داستان های زیادی را در ذهنم مرور می کردم تا آن ها را به عنوان سفر به تایلند برای دوستانم بازگو کنم، آن آگهی را در صفحه اجتماعی باز کردم و با خواندن شرایط دریافت خدمات به وبلاگی معرفی شدم که باید پنج هزار تومان برای دریافت فرم ویزیت از طریق درگاه پرداخت الکترونیکی واریز می کردم. بلافاصله عملیات مربوط به پرداخت وجه را انجام دادم. اما هیچ مبلغی از حسابم کسر نشد و با پیام «عملیات ناموفق» روبه رو شدم. این گونه بود که دیگر منصرف شدم و عملیات دوباره بانکی را ادامه ندادم. صبح روز بعد وقتی به محل کارم رسیدم با دیدن پیام برداشت ۷ میلیون تومان از حساب بانکی ام روی گوشی تلفن همراه شوکه شدم. چرا که کارت بانکی ام را به کسی نداده بودم.

وقتی به بانک مراجعه کردم مشخص شد ساعت ۲ بامداد به همه موجودی حساب بانکی ام دستبرد زده اند در حالی که هیچ کس از رمز دوم کارتم باخبر نبود. سپس با طرح شکایت در پلیس فتا و پیگیری کارشناسان زحمت کش پلیس، مشخص شد آگهی مذکور توسط کلاهبرداران اینترنتی برای کشاندن طعمه ها به درگاه قلابی بانک (فیشینگ) بارگذاری شده بود و من به راحتی همه اطلاعات بانکی را در اختیارشان قرار داده بودم و...

ماجرای واقعی با همکاری معاونت اجتماعی فرماندهی انتظامی استان کرمان

دستگیری دامادی که پدر و برادر زنش را با شلیک گلوله مجروح کرد

فرمانده انتظامی شرق استان تهران، از دستگیری دامادی که اعضای خانواده همسرش را با شلیک گلوله در ورامین مجروح کرده بود، خبر داد. به گزارش مهر، سردار عبدالرضا ناظری ظهر یک شنبه در جمع خبرنگاران با بیان این که داماد مسلح در کمترین زمان دستگیر شد، افزود: دامادی در یکی از روستاهای اطراف ورامین در اوج خشم و عصبانیت با شلیک به پدر و برادر زنش آن ها را مجروح و راهی بیمارستان کرد. ناظری اضافه کرد: در بررسی های به عمل آمده مشخص شد، این داماد به دلیل اختلافات خانوادگی با خانواده همسر، با اسلحه اعضای این خانواده را مجروح کرده است که پس از دستگیری وی، دو کلت جنگی، سه قمه و چهار دشنه از این شخص کشف و ضبط شد. شایان ذکر است گلوله ها به پا و لگن مجروحان اصابت کرده بود که بلافاصله به بیمارستان منتقل شدند. هم اکنون وضعیت عمومی آن ها خوب است.